



Source Recognition's Achievements of Narrative Works for Other Fields of Hadith Studies

Ameneh Hadadi¹
Nosrat Nilsaz²

Received: 18/09/2022

Accepted: 28/02/2023

DOI: 10.22051/TQH.2023.41760.3702

Abstract

Sources recognition of narrative works, which is one of the new areas of hadith studies, is dedicated to identifying existing or missing sources of accessible narrative works. If the researches in this field are done methodically and systematically in a precise method, it would obtain a comprehensive process that, in addition to results such as finding direct and indirect sources of narrative work, the possible amount of benefit from a source, the belonging of the sources to hadith periods, and the degree of benefit from the early and later narrative works, has many other beneficial achievements for other areas of hadith studies. This research introduces twelve important and diverse achievements based on the review and analysis of the studies that have been conducted so far in the field of recognizing sources of narrative works, while exemplifying such studies. These achievements include dating hadiths, reconstructing lost works, finding methods of early hadith scholars in obtaining narrations from hadith works, correcting sanad, completing chains of transmitters in the lists (*fihrist*), gathering more detailed information about narrative works, identifying the methods trusted by hadith scholars in frequent sanads, knowing how the hadith schools interact with each other, finding more evidence in the written sources of narrative works, identifying cases of oral transmission, achieving new findings as a result of statistical analysis, and identifying the transmission course of hadith science among scholars.

Keywords: Sources Recognition of Narrative Works, Dating Hadiths, Reconstruction of Lost Works, Way (Tarīq), Hadith School

¹. PhD of Qur'an and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: a.hadadi@modares.ac.ir

². Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. The Corresponding Author. Email: nilsaz@modares.ac.ir

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام‌العلیها)

سال بیستم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، پیاپی ۶۰

مقاله علمی - مروری، صص ۲۳۳-۲۰۱

دستاوردهای بازیابی منابع آثار روایی برای حوزه‌های دیگر مطالعات

حدیثی

آمنه حدادی^۱

نصرت نیل‌ساز^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹

DOI: 10.22051/TQH.2023.41760.3702

چکیده

بازیابی منابع آثار روایی که از حوزه‌های نوین مطالعات حدیثی است، به شناسایی منابع موجود یا مفقود آثار روایی موجود اختصاص دارد. پژوهش‌های این حوزه اگر به صورت روش‌مند و دقیق صورت گیرد، فرآیندی جامع است که علاوه بر نتایج مستقیمی مانند: ۱. یافتن منابع بی‌واسطه و باواسطه اثر روایی؛ ۲. میزان احتمالی بهره‌مندی از هر کدام از منابع؛ ۳. تعیین تعلق منابع اثر به هر کدام از دوره‌های حدیثی؛ ۴. تشخیص میزان بهره‌مندی از آثار کهن و متقدم روایی؛ دستاوردهای جانبی فراوان و راه‌گشایی برای حوزه‌های دیگر مطالعات حدیثی دارد. در این پژوهش، بر اساس بررسی و تحلیل مطالعاتی که تاکنون در حوزه بازیابی منابع آثار روایی صورت گرفته و ارائه نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها، دوازده دستاورد مهم و متنوع شناسایی و معرفی شده است. این دستاوردها عبارتند از: ۱. تاریخ‌گذاری احادیث؛ ۲. بازسازی آثار از دست رفته؛ ۳. آشنایی با شیوه‌های محدثان متقدم در اخذ روایت از آثار حدیثی؛ ۴. اصلاح اسانید؛ ۵. کامل شدن طرق در فهرست‌ها؛ ۶. گردآوری اطلاعات دقیق‌تر در خصوص آثار روایی؛ ۷. شناسایی طرق مورد اعتماد محدثان در سندهای پرتکرار؛ ۸. آگاهی از نحوه تعامل حوزه‌های حدیثی با یکدیگر؛ ۹. یافتن شواهد بیشتر در مکتوب بودن منابع آثار روایی؛ ۱۰. شناسایی موارد نقل شفاهی؛ ۱۱. دستیابی به یافته‌های جدید در نتیجه تحلیل آماری و ۱۲. شناسایی سیر انتقال دانش حدیثی در میان محدثان.

کلیدواژه‌ها: بازیابی منابع آثار روایی، تاریخ‌گذاری روایات، بازسازی آثار مفقود، طریق، حوزه حدیثی

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. a.hadadi@modares.ac.ir

۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Nilsaz@modares.ac.ir

۱. مقدمه

«بازیابی منابع آثار روایی» به معنای شناسایی منابع آثار روایی از میان آثار موجود یا مفقود، یکی از حوزه‌های نوین در مطالعات حدیثی است. اولین گام‌های بازیابی منابع آثار روایی را می‌توان در آثار حدیث‌پژوهان غربی یافت. در این پژوهش‌ها، منابع برخی از آثار روایی مانند سیره ابن اسحاق و المغازی واقدی، معجم البلدان یا قوت حموی، تاریخ و تفسیر طبری، فتوح البلدان بلاذری، العقد الفرید ابن عبدربه و الاغانی ابوالفرج اصفهانی بررسی شده است. علاوه بر این، مطالعات حدیثی سزگین نیز از پژوهش‌های پیش‌گام مسلمانان در این حوزه است. وی با روش ابداعی خود، به بازیابی منابع صحیحین، تفسیر و تاریخ طبری و الاغانی ابوالفرج اصفهانی پرداخت (حدادی و دیگران، ۱۴۰۰) ب، ص ۲۷۳). پس از او، اورسلا سزگین، در اثری به نام «بومخنف: سهم او در تاریخ‌نگاری بنی‌امیه^۱»، روش سزگین در بازیابی منابع را به کار گرفت. بلامی^۲ نیز در مقاله «مصادر کتاب مقتل امیرالمؤمنین^(ع) تألیف ابن ابی‌الدنیا^۳»، منابع کتاب مقتل امیرالمؤمنین را با روش سزگین شناسایی کرده است. در مقاله «کارکرد فهرست‌های شیخ طوسی و نجاشی در تکمیل روش سزگین در بازیابی منابع آثار کهن روایی؛ مطالعه موردی کتاب الزهد حسین بن سعید اهوازی^۴» روش سزگین با رویکردی نقادانه در بازیابی منابع کتاب الزهد حسین بن سعید اهوازی به کار گرفته شده و نقش فهرست‌های شیخ طوسی و نجاشی در رفع نقایص این روش تبیین شده است. در رساله دکتری با عنوان «تحلیل انتقادی کارکرد حلقه‌مشترک در بازیابی منابع آثار روایی؛ مطالعه موردی کتاب الکافی^۵»، بر اساس تعریف ارائه شده از حلقه‌مشترک که از سوی سزگین در شناسایی منابع آثار روایی

۱. عنوان اصلی این کتاب «Abu Mihnaf Ein Beitrag Zur Historiographic Der Umayyadischen Zeit» است.

۲. James A. Bellamy (1925-2015).

۳. بلامی، جمی‌زای (۱۳۹۷). مصادر کتاب مقتل امیرالمؤمنین علی علیه السلام تألیف ابن ابی‌الدنیا، ترجمه محمد منیب، سخن تاریخ، ۱۲ (۷)، ۱۰۱-۱۴۰.

۴. نیل‌ساز، نصرت و رجائی فرد، ابوالفضل (۱۳۹۶). کارکرد فهرست‌های شیخ طوسی و نجاشی در تکمیل روش سزگین در بازیابی منابع آثار کهن روایی؛ (مطالعه موردی: کتاب الزهد حسین بن سعید اهوازی)، مطالعات فهم حدیث، ۴(۱)، ۱۳۱-۱۵۷.

<https://doi.org/10.30479/mfh.2018.1305>

۵. این رساله توسط آمنه حدادی در دانشگاه تربیت مدرس نگاشته شده و در تیر ماه ۱۴۰۰ دفاع شده است.

به کار گرفته شده استفاده شده و پس از ارائه الگویی جامع در بازیابی منابع آثار روایی، منابع الکافی به طور موردی، بررسی و شناسایی شده است. در ایران اولین پژوهش روش‌مند در بازیابی منابع از سوی سید محمدجواد شبیری در سال ۱۳۷۷ با عنوان «الکاتب النعمانی و کتابه/الغیبه»^۱، ارائه شده است. روش وی شامل مؤلفه‌های مختلفی است که در برخی موارد شباهت‌هایی به روش سزگین دارد.^۲ پژوهش‌هایی که پس از شبیری در این حوزه صورت گرفته، به طور عمده مبتنی بر مؤلفه‌های ارائه شده در روش او بوده که در برخی مقالات، به اخذ روش از وی تصریح شده است. پژوهش‌هایی که تاکنون در حوزه بازیابی منابع آثار روایی صورت گرفته را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱. پژوهش‌هایی که شامل مباحث کلی پدر خصوص بازیابی منابع است؛ ۲. پژوهش‌هایی که موضوع آن‌ها، بازیابی منابع تک‌نگاره‌های حدیثی است؛ ۳. پژوهش‌هایی که به بازیابی منابع جوامع حدیثی اختصاص دارد. بنابر ترتیب تاریخی، «پیشینه مکتوب منابع معتبر حدیثی شیعه امامیه»^۳، «ماهیت منابع جوامع روایی اولیه از دیدگاه گرگور شوئر»^۴، «تبیین و ارزیابی نظریه سزگین درباره شناسایی و بازسازی منابع جوامع روایی»^۵ و «تحلیل انتقادی روش سید محمدجواد شبیری در بازیابی منابع آثار روایی»^۶ از پژوهش‌های دسته اول هستند. «آثار شیخ مفید در آثار سیدبن طاووس»^۷، «الکاتب النعمانی و کتابه/الغیبه»^۸، «مقایسه تفسیر قمی با روایات تفسیری علی بن ابراهیم در

پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

-
۱. این کتاب در سال ۱۴۱۹ ق توسط انتشارات دارالحدیث منتشر شده است.
 ۲. رک. حدادی، آمنه و دیگران (۱۴۰۰). تحلیل انتقادی روش سید محمدجواد شبیری در بازیابی منابع آثار روایی، مطالعات فهم حدیث، ۸(۱۵)، ۱۳۳-۱۵۴. DOI: 10.30479/mfh.2021.2494
 ۳. طارمی، حسین (۱۳۷۴). پیشینه مکتوب منابع معتبر حدیثی شیعه امامیه. مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، گردآورنده: محمد فرحزاد، مشهد: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. ج ۱، ص ۲۱۹-۲۳۵.
 ۴. نیل ساز، نصرت (۱۳۹۳). ماهیت منابع جوامع روایی اولیه از دیدگاه گرگور شوئر، علوم قرآن و حدیث، ۴۴ (۸۸)، ۱۶۴-۱۳۳.
 ۵. نیل ساز، ۱۳۹۳ الف.
 ۶. حدادی، ۱۴۰۰ الف.
 ۷. کلبرگ، اتان (۱۳۷۲). آثار شیخ مفید در آثار سید بن طاووس. ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان، مجموعه مقالات کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، صص ۳-۱۸.
 ۸. شبیری زنجانی، سید محمدجواد (۱۴۱۹ ق). الکاتب النعمانی و کتابه/الغیبه. علوم الحدیث، ۲(۳)، ۱۷۵-۲۳۸.

«کافی»، «بازیابی متون کهن امامی در آثار شیخ صدوق»، «سرچشمه‌های متنی کهن، سیری در منابع تفسیر نعمانی»، «بررسی و نقد احادیث پیامبر ﷺ در کتاب تحف العقول»، «بازیابی منابع تفسیر قمی^۱»، «بررسی و نقد احادیث نهج الفصاحه؛ منبع - شناسی، رجال‌شناسی، ترجمه و شرح واژه‌های غریب^۲»، «کارکرد فهرست‌های شیخ طوسی و نجاشی در تکمیل روش سزگین در بازیابی منابع آثار کهن روایی؛ مطالعه موردی کتاب الزهد حسین بن سعید اهوازی»، «تحلیل مصدرشناختی احادیث الغیبة شیخ طوسی^۳»، «بازشناسی مصادر احادیث کتاب الغیبة نعمانی^۴»، «مصادر کتاب مقتل امیرالمؤمنین علی^(ع) تألیف ابن ابی‌الدنیا»، «بازشناسی مصادر روایی تبیان طوسی^۵ و مصدریابی و گونه‌شناسی احتجاجات اهل بیت^(ع) در برابر مخالفان بر اساس کتاب الاحتجاج طبرسی^۶» از مطالعات دسته دوم هستند. «مصادر الشیخ الطوسی فی کتابه التهذیب الاحکام^۷»، «کتاب حلبی، منبعی مکتوب در تألیف الکافی^۸»، «مشایخ اجازه در اسناد الکافی^۹»، «روش دستیابی به منابع الکافی^{۱۰}»، «جستاری در باب منابع داده‌های

۱. فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۷۹). مقایسه تفسیر قمی با روایات تفسیری علی بن ابراهیم در کافی، پژوهش‌های فلسفی و کلامی، ۲(۳)، ۶-۱۹.

۲. مرداسی، رویا (۱۳۹۵). بررسی و نقد احادیث نهج الفصاحه؛ منبع‌شناسی، رجال‌شناسی، ترجمه و شرح واژه‌های غریب (احادیث ۱۴۰۱-۱۶۰۰)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشگاه الهیات و معارف اسلامی.

۳. غفوری نژاد، ۱۳۹۶.

۴. معرفت و غفوری نژاد (۱۳۹۷).

۵. امامی، روناک (۱۳۹۸). بازشناسی مصادر روایی تبیان طوسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

۶. اوجی، خدیجه (۱۳۹۸). مصدریابی و گونه‌شناسی احتجاجات اهل بیت^(ع) در برابر مخالفان بر اساس کتاب الاحتجاج طبرسی ج ۱، پایان نامه کارشناس ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث، پردیس تهران.

۷. شبیری زنجانی، سید محمدجواد (۱۴۲۰ ق). مصادر الشیخ الطوسی فی کتابه تهذیب الاحکام، علوم/حدیث، ۳(۶)، ۱۶۸-۲۲۴.

۸. سرخه‌ای، احسان (۱۳۸۸). کتاب حلبی؛ منبعی مکتوب در تألیف الکافی، علوم حدیث، ۱۴(۱)، ۳۴-۵۸.

۹. معارف، مجید؛ قربانی زرین، رضا (۱۳۸۸). مشایخ اجازه در اسناد الکافی، علوم حدیث، شماره ۱۴(۱)، ۶۸-۸۴.

۱۰. جدیدی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۹). روش دستیابی به منابع الکافی، آینه پژوهش، ش ۱۲۳، ۱۶-۲۰.

تاریخی کتاب *الکافی*^۱، «بازشناسی منابع کلینی در تدوین *الکافی*^۲»، «اسناد پرتکرار نشانی از منابع مکتوب *الکافی*^۳»، «منابع تفسیری شیخ کلینی^۴»، «الگویابی اسناد کلینی به کتاب زرارة بن أعین^۵»، «النوادر اشعری، مصدر حدیثی *الکافی* کلینی^۶»، «*الکافی* و روایات اسحاق بن محمد احمر نخعی؛ تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق^۷»، «تبارشناسی منابع روایات اعتقادی *الکافی*^۸»، «بازیابی و اعتبارسنجی آثار علی بن مهزیار با تکیه بر بخش اصول کتاب *الکافی*^۹»، «چگونگی ارتباط کلینی با کتاب محمد بن مسلم در پرتو بررسی اسناد و داده‌های کتاب‌شناختی^{۱۰}» و «تحلیل انتقادی کارکرد حلقه مشترک در بازیابی منابع آثار روایی؛ مطالعه موردی کتاب *الکافی*^{۱۱}» پژوهش‌های دسته سوم در این موضوع هستند.

بازیابی منابع در آثاری که تاکنون ارائه شده به دو صورت کلی یا ترکیبی از این دو صورت گرفته است: الف. تحلیل‌های مبتنی بر مقایسه متن متأخر با منبع احتمالی متقدم. این نوع از تحلیل‌ها، گرچه نتایج دقیق‌تر و قابل اعتمادتری ارائه می‌کند، اما به دلیل فقدان منابع کهن حدیثی، در بسیاری موارد امکان پذیر نیستند. ب. تحلیل‌های مبتنی بر بررسی اسانید روایات. تحلیل‌های اسنادی، با وجود دشواری‌هایی که دارد،

۱. اثباتی، اسماعیل و طباطبایی، سید کاظم (۱۳۹۳). جستاری در باب منابع داده‌های تاریخی کتاب *الکافی*، علوم حدیث، ۱۹(۳)، ۲۹-۵۲.
۲. حمادی و حسینی، ۱۳۹۳.
۳. قربانی، ۱۳۹۴.
۴. اثباتی، اسماعیل و رستمی، محمدحسن (۱۳۹۴). منابع تفسیری شیخ کلینی، حدیث پژوهی، ۷(۱۴)، ۹۹-۱۲۸.
۵. حاتمی مهر و فرجامی، ۱۳۹۵.
۶. قاسم‌پور، محسن و علی‌اکبریان، مجتبی (۱۳۹۶). *النوادر اشعری*، مصدر حدیثی *الکافی* کلینی، مطالعات فهم حدیث، ۷(۱)، ۹-۳۳.
۷. باقری، ۱۳۹۶.
۸. اثباتی و طباطبایی، ۱۳۹۶.
۹. ملکی تراکمه‌ای، محمود. (۱۳۹۶). بازیابی و اعتبارسنجی آثار علی بن مهزیار با تکیه بر بخش اصول کتاب *الکافی*، حدیث حوزه، ش ۱۳، ۴۵-۶۸.
۱۰. مفید بجنوردی، امید (۱۳۹۸). چگونگی ارتباط کلینی با کتاب محمد بن مسلم در پرتو داده‌های کتاب‌شناختی، حدیث حوزه، ۱۹(۱)، ۶۱-۹۸.
۱۱. حدادی، آمنه و دیگران (۱۴۰۰). تحلیل کارکرد حلقه مشترک در بازیابی منابع آثار روایی؛ مطالعه موردی روایات علی بن ابراهیم در *الکافی*، علوم قرآن و حدیث، ۲(۲)، ۲۷۱-۲۹۳.

دستیابی‌تر و شایع‌تر است. به دلیل آن که حتی آثار حدیثی موجود در طی دوران‌های مختلف، کم و بیش دستخوش تغییراتی از جمله تغییرات ناشی از نسخه‌برداری‌ها بوده‌اند، پژوهش‌های مبتنی بر مقایسه متون، گاه دستاورد یقین‌آور نداشته و برای اطمینان بیشتر، تحلیل‌های اسنادی نیز به کار رفته است.

پژوهش‌هایی که در حوزه بازیابی منابع در دسته دوم و سوم انجام شده، اغلب مبتنی بر الگو و روشی جامع نبوده و نقدهایی بر روش و نتیجه آن‌ها وارد است.^۱ در این مقاله، صرف‌نظر از اشکالات موجود در روش و نتیجه پژوهش‌های یادشده، تنها اطلاعات مفیدی که ضمن فرآیند بازیابی منابع در آن‌ها به دست آمده بررسی و تحلیل شده است. شناسایی این دستاوردها دو فایده مهم دارد: یکی ایجاد انگیزه برای پژوهش‌های بیشتر و دیگری نمایاندن اهمیت و ضرورت پژوهش در این حوزه که به دلیل پیچیدگی‌ها و دشواری‌های بسیار، چندان مورد اقبال نبوده است. تاکنون در هیچ تحقیقی، دستاوردهای بازیابی منابع آثار روایی به طور مستقل بررسی نشده است.

۲. دستاوردهای جانبی بازیابی منابع آثار روایی

در فرآیند بازیابی منابع، داده‌ها و نتایج ارزشمندی به دست می‌آید که هدف اصلی فرآیند بازیابی نیست، اما برای دیگر مطالعات حدیثی راه‌گشاست. برخی از این دستاوردها عبارتند از:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱-۲. تاریخ‌گذاری احادیث

محققان غربی از اولین پژوهش‌های خود بر میراث روایی مسلمانان، درصدد یافتن زمان پیدایش آن و به عبارت دیگر، تاریخ‌گذاری روایات^۲ برآمدند. تاریخ‌گذاری روایات تاکنون به شیوه‌های متفاوتی از سوی محدثان صورت گرفته است. هارالد موتسکی^۳ روش‌های به‌کارگرفته شده در مطالعات حدیثی به منظور تاریخ‌گذاری روایات را به چهار دسته

۱. برای مطالعه بیشتر نک. حدادی و دیگران، ۱۴۰۰ الف، ۱۴۳-۱۵۲؛ حدادی، ۱۴۰۰، صص ۵۲-۶۴، ۶۸-۷۱، ۸۰-۹۱؛ همچنین نگارنده، مقاله‌ای در نقد پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه بازیابی منابع آثار روایی در دست تألیف دارد.

۲. Dating Hadith.

۳. Harald Motzki (1948-2019).

تقسیم کرده است: ۱. تاریخ‌گذاری بر اساس متن؛ ۲. تاریخ‌گذاری بر اساس یافت شدن احادیث در جوامع حدیثی؛ ۳. تاریخ‌گذاری سندی و ۴. تاریخ‌گذاری بر اساس روش‌های ترکیبی متن و سند^۱.

در فرآیند بازیابی منابع، همه یا برخی از منابع بی‌واسطه و باواسطه روایات شناسایی می‌شوند. نحوه دلالت منابع شناسایی شده بر تاریخ روایات چنین است که در میان منابع هر دسته روایت خاص (روایاتی که سند آن با مشایخ مستقیم مؤلف شروع شده است)، متقدم‌ترین منبع، کهن‌ترین اثری است که روایات در آن وجود داشته است. بنابراین آنچه در فرآیند بازیابی منابع در حوزه تاریخ‌گذاری به دست می‌آید، فراتر از آن است که موتسکی آن را «تاریخ‌گذاری بر اساس یافت شدن احادیث در جوامع حدیثی» نام نهاده است؛ بلکه می‌توان آن را تحت عنوان مستقل «بازیابی منابع بر اساس یافت شدن در کهن‌ترین منبع» نام‌گذاری کرد. ذکر این نکته لازم است که تاریخی که در فرآیند تاریخ‌گذاری «منبع» به دست می‌آید، متأخرتر از تاریخی است که از تاریخ‌گذاری «روایت» به دست می‌آید و این فاصله، معادل زمانی است که یک روایت، فرآیند نقل شفاهی، نگارش در جزوه‌ها و دست‌نوشته‌ها و مراحل معمول آن زمان تا نگارش در یک اثر روایی را طی کرده است.

مثال ۱. از بررسی منبع‌شناسانه روایات کلینی از علی بن ابراهیم از ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر از حماد بن عثمان از حلبی از امام صادق^(ع)، این نتیجه به دست می‌آید که احتمال منبع بودن علی بن ابراهیم و ابن ابی عمیر به طور مستقیم و حماد بن عثمان و عبیدالله بن علی الحلّبی با واسطه علی بن ابراهیم و ابن ابی عمیر برای کلینی وجود دارد (حدادی، (۱۴۰۰) ب، صص ۱۰۷-۱۲۲). حماد بن عثمان از اصحاب امام کاظم^(ع) و امام رضا^(ع) (نجاشی، (۱۴۰۷)، صص ۱۴۳، ش ۳۷۱) و حلبی، بنا بر نقلی مبنی بر عرضه کتابش به امام صادق^(ع) (طوسی، (۱۴۲۰)، صص ۳۰۵، ش ۴۶۷؛ ابن داود، (۱۳۸۳)، صص ۲۱۷، ش ۹۰۳؛ علامه حلّی، (۱۴۱۱)، صص ۱۱۳)، از اصحاب امام صادق^(ع) است؛ بنابراین حماد بن عثمان و حلبی، از محدثان قرن دوم هجری هستند. منبع شناخته شدن آثار آن

۱. (برای تفصیل هر کدام از شیوه‌ها، کارکردها و کاستی‌های آن‌ها نک. موتسکی، (۱۳۹۴)، صص ۲۳).

دو برای این دسته روایات، به معنای آن است که این روایات دست کم در قرن دوم هجری وجود داشته‌اند.

مثال ۲. موتسکی، المصنّف عبدالرزاق صنعانی را به دلیل آن که نود درصد روایات آن، از یک راوی یعنی اسحاق بن ابراهیم دبری (م ۲۸۵ ق) است، گزینه‌ای مناسب برای رویکرد منبع‌شناسانه در تاریخ‌گذاری دانسته است. از نظر موتسکی احتمالاً اسحاق، این مجموعه را به صورت مکتوب از پدرش که از شاگردان عبدالرزاق بوده دریافت کرده است. بر اساس منابع رجالی، عبدالرزاق در هجده سالگی در درس‌های عالم مکی، ابن جریج (م ۱۵۰ ق)، به هنگام سفر وی به یمن (احتمالاً در سال ۱۴۴ هجری) شرکت کرده است. علاوه بر ابن جریج، عبدالرزاق نزد معمر بن راشد (م ۱۵۳ ق) نیز شاگردی کرده و وی مهم‌ترین استاد عبدالرزاق بوده است. عبدالرزاق مدت هفت یا هشت سال (احتمالاً از سال ۱۴۵ تا زمان مرگ معمر در سال ۱۵۳ هجری) نزد او تحصیل می‌کرده است. از دیگر مشایخ عبدالرزاق، سفیان ثوری کوفی (م ۱۶۱ ق) که در سال ۱۴۹ هجری در یمن بوده و عالم مکی، سفیان بن عیینه (م ۱۹۸ ق) که در سال‌های ۱۵۰ و ۱۵۲ آن‌جا بوده است را می‌توان نام برد. بسیار محتمل است که عبدالرزاق، بخش اصلی مطالبی را که از این راویان نقل کرده، در این مدت دریافت کرده باشد. موتسکی از تحلیل شواهد یادشده به این نتیجه رسیده است که چهار منبع اصلی عبدالرزاق متعلق به سال‌های ۱۴۴ تا ۱۵۳ هجری هستند (موتسکی، (۱۳۸۵)، صص ۹۷-۱۰۲)؛ به عبارت دیگر، روایات المصنّف، دست کم در این تاریخ در یک اثر روایی وجود داشته‌اند.

۲-۲. بازسازی آثار از دست رفته^۱

آغاز نگارش و تدوین رسمی حدیث، در میان مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت، بنابر پای‌بندی پیروان این دو مذهب به قانون منع نگارش حدیث، پیشینه‌ای متفاوت دارد. نخستین منابع مکتوب حدیث شیعه را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: ۱. آثاری که اصحاب یا معاصران ائمه علیهم‌السلام تألیف کرده‌اند و در آن‌ها بدون واسطه به نقل روایات شفاهی خود از ائمه علیهم‌السلام پرداخته‌اند؛ مانند کتاب‌های حارث اعور (م ۶۵ ق)، عبیدالله بن ابی‌رافع

^۱. Reconstruction of lost sources

(م حدود ۱۰۰ق)، و زرارة بن أعین (م ۱۴۸ق)؛ ۲. آثاری که مؤلفان آن‌ها، ائمه علیهم‌السلام را درک کرده و به نقل روایات شفاهی خود در کتاب‌هایشان پرداخته‌اند، اما از تألیفات پیشین نیز بهره جسته و روایات آن‌ها را در کتاب خود نقل کرده‌اند؛ مانند کتاب‌های حریر بن عبدالله (حدود ۱۵۰ق)، صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ق)، حسین بن سعید (م بعد از ۲۵۴ق) و علی بن مهزیار (م ۲۵۴ق)؛ ۳. آثاری که مؤلفان آن‌ها روایات را از کتاب‌های دو دسته پیشین برگرفته‌اند و خود به طور مستقیم با ائمه علیهم‌السلام ارتباطی نداشته یا در عصر ائمه علیهم‌السلام نمی‌زیسته‌اند؛ مانند کتاب‌های کلینی (م ۳۲۹ق)، قاضی نعمان (م ۳۶۳ق) و صدوق (م ۳۸۱ق) (عمادی حائری، (۱۳۹۴)، ص ۵۱). از میان این سه دسته آثار، معدودی از آثار دو دسته اول به دست ما رسیده و تنها آثار دسته سوم موجود است. آثار حدیثی اهل سنت نیز به چهار دسته قابل تقسیم است: ۱. نگاه‌شده‌های اولیه حدیثی که تنها به ضبط احادیث بدون نظم و ترتیب خاص پرداخته‌اند؛ از آثار محدثان این دوره مانند ابن حزم انصاری (م ۱۲۰هـ)، ابن شهاب زهری (م ۱۲۳ یا ۱۲۴ق)، سعید بن ابی عروب (م ۱۵۶ق) اثری باقی نمانده است؛ ۲. نگارش حدیث در عهد بنی عباس با ویژگی تهذیب و ترتیب. از این دوره تنها موطأ مالک بن انس (م ۱۷۹ق) باقی مانده است؛ ۳. دوره مسندنگاری در نیمه اول قرن سوم. از این دوره نیز تنها مشهورترین آن‌ها یعنی مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق) موجود است؛ ۴. دوره جامع‌نگاری در نیمه دوم قرن سوم و اوائل قرن چهارم. مهم‌ترین آثار این دوره، صحیحین است (نک. معارف، (۱۳۹۳)، صص ۱۵-۱۸).

با توجه به فقدان بسیاری از آثار روایی کهن و متقدم، شناسایی شیوه‌هایی که بتواند مسیر بازسازی این آثار از دست رفته را هموار کند، از اهمیت بسیاری برخوردار است.^۱ بازایی منابع به دو صورت به بازسازی آثار مفقود کمک می‌کند؛ نخست، شناسایی آثار

۱. تذکر این نکته لازم است که بازایی منابع آثار روایی و بازسازی آثار مفقود دو مقوله مجزا است. از مهم‌ترین تفاوت‌های این دو مقوله، آن است که: الف. در بازایی منابع، آثار موجود و آثار مفقود مورد بحث و بررسی است؛ ب. بازایی منابع مربوط به آثار متأخرتر (مانند *الکافی*) و بازسازی، به طور عمده مربوط به آثار کهن‌تر است؛ پ. در بازایی منابع، شناسایی عنوان و موضوع یک منبع کافی است؛ اما در بازسازی، دستیابی به محتوا و ساختار کتاب، مورد نظر است.

مفقود که منبع آثار متأخرتر بوده‌اند و دیگر، ارائه قطعاتی از آثار مفقود در منابع متأخرتر که به بازسازی دست‌کم بخشی از روایات آثار مفقود منجر می‌شود.

فؤاد سزگین معتقد است با روش سندی ابداعی‌اش در بازیابی منابع، می‌توان قطعه‌های جدیدی از کتاب‌های صدر اسلام را که بخش اعظم آن‌ها از میان رفته و حتی برخی از آثار را به طور کامل بازسازی کرد (سزگین، (۱۳۸۰)، ص ۱۲۱). ذکر این نکته لازم است که منبع بازسازی شده را نمی‌توان جایگزینی برای منبع کهن دانست؛ زیرا مؤلفی که از منابع متعدد استفاده می‌کند، همواره همه آن منابع را در کتاب خود نقل نمی‌کند و به‌گزینش روی می‌آورد. از این رو متن بازسازی شده، تنها بخشی از آن اثر است. علاوه بر این مؤلف بنابر مبنا و شیوه تألیف خود، ترتیب و تنظیم مطالب را تغییر می‌دهد (نیل‌ساز، (۱۳۹۳) الف، ص ۳۴۱). ^۱لا تسرون^۱ علاوه بر این دو علت، به مشکل انتساب‌های نادرست در بازسازی آثار مفقود نیز اشاره کرده است (Tasseron, (2004), p.47).

مثال: در بازیابی منابع *الکافی* به عنوان اصلی‌ترین جامع حدیثی شیعه، آثار مهمی شناسایی شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به *التوحید و الشرك، الحیض، رساله فی معنی هشام و یونس و قرب الاسناد علی بن ابراهیم، الامامة، الاحتجاج فی الامامة، الدعاء، الحج، فضائل الحج، الصلاة، الصیام، النکاح، الطلاق و المتعة ابن ابی عمیر، کتاب الحدود، الدیات، النکاح، الفرائض و الطلاق ابن محبوب، الجامع احمد بن محمد بن ابی نصر، کتاب القائم علی بن محمد علان، النوادر و التوحید سهل بن زیاد، مناسک الحج ابو بصیر، الاربعمائة فی الحلال و الحرام محمد بن مسلم، التفسیر و النوادر علی بن اسباط* به عنوان منابع بسیار محتمل کلینی که هیچ کدام اکنون موجود نیستند اشاره کرد (حدادی، (۱۴۰۰) ب، ص ۱۲۲، ۱۴۳، ۱۵۴، ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۸۱). بازیابی منابع *الکافی*، مسیر بازسازی این آثار را هموارتر کرده است.

^۱ (-) Ella Landau-Tasseron (?-)

۲-۳. آشنایی با شیوه محدثان متقدم در اخذ روایت از آثار حدیثی

عالمان شیعه در اعتبارسنجی روایات، تا اواخر قرن دوم، مانند اهل سنت بر دو محور «تحلیل اصولی» و «تحلیل رجالی» متمرکز بوده‌اند. از اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم، شیوه‌ای دیگر بر این دو شیوه افزوده شده که «تحلیل فهرستی» نام گرفته است. منظور از تحلیل فهرستی، بررسی حجیت خبر از طریق کتاب‌شناسی است (عمادی حائری، ۱۳۹۴)، ص ۷۹. یکی از مبانی تحلیل فهرستی، نوشتاری بودن بستر انتقال حدیث در تاریخ شیعه است (شیرازی و ملکی، ۱۴۰۱)، ص ۲۹. برخی عالمان متقدم بر این باور بوده‌اند که عالمان حدیث‌گرای معاصرشان به نقدهای سندی رجالی در سنجش‌های اعتباری احادیث یک‌سره بی‌توجه بوده‌اند؛ به عبارت دیگر، از آن چه افرادی مانند شیخ بهایی در این باره گفته‌اند برمی‌آید که توجه به نقد منبع‌محور حدیث، نزد ایشان نقشی کلیدی داشته است (باقری، ۱۳۹۲)، صص ۴-۵. از این رو اگر به روایتی از یک کتاب معتبر حتی با راوی ضعیف عمل کرده‌اند، به سبب اعتبار آن کتاب بوده است؛ زیرا آن را با نسخ دیگری که در دست داشته‌اند مقابله کرده‌اند (مددی، ۱۳۹۳)، ص ۳۶۱. این شیوه در اعتبارسنجی احادیث از قرن هشتم و در حوزه حدیثی حله تغییر یافت و جای خود را به تحلیل رجالی داد. شیوه‌ای که برون‌داد آن، بخش‌بندی چهارگانه احادیث به صحیح، حسن، موثق و ضعیف است (حسینی شیرازی، ۱۳۹۷)، ص ۶۲. تغییر رویکرد محدثان شیعی از تحلیل فهرستی به تحلیل رجالی، دلایل مختلفی داشته که مهمترین آن‌ها عبارت است از: از میان رفتن تدریجی مصادر نخستین، گزینش روایات در کتب فقهی توسط فقیهانی مانند شیخ صدوق که اهمیت اختلاف نسخ را می‌کاست، مطرح شدن نظریه حجیت تعبّدی خبر توسط شیخ طوسی و رواج این نظریه در مکتب رجالی حله و تلخیص فهرستین توسط علامه حلی با رویکرد رجالی (سفاریان و دیگران، ۱۳۹۹)، صص ۲۵۵-۲۵۶. شواهدی از پایبندی به تحلیل فهرستی را در روش محدثان متأخر نیز می‌توان یافت. از اشارات علامه مجلسی در مقدمه شرح‌های خود بر *الکافی* و *تهذیب* و در مقدمه *بحارالانوار* می‌توان دریافت که وی دو مبنای «توجه به قرائن کتاب‌محوری» و «اولویت متن‌محوری بر سندمحوری» را به پیروی از محدثان متقدم در اعتبارسنجی روایات به کار بسته است (قاسم پور و مختاری، ۱۳۹۵)، ص ۱۱۰؛ قاسم پور و مختاری، ۱۳۹۶، صص ۱۴۶-۱۴۷).

مثال ۱: بنا بر تصریح شیخ صدوق در مقدمه من لایحضر الفقیه در شیوه اخذ روایات خود از آثار روایی (صدوق، (۱۴۱۳)، ج ۱، ص ۳) چنین به دست می‌آید که ملاک شیخ صدوق در حجیت روایت، وثوق به مصادر اولیه به سبب شهرت این مصادر در عصر اوست (خدامیان آرانی، (۱۳۹۴)، ص ۱۸۱). نمونه‌هایی از مبنا قرار دادن تحلیل فهرستی در میان قدما را می‌توان در نقل روایت از محمد بن علی صیرفی که رجالیان وی را به غلو و اشتها به کذب توصیف کرده‌اند، پذیرش روایت سهل بن احمد دیباجی از کتاب *الاشعثیات*، روایت حسن بن اسد طفاوی از کتاب *علی بن اسماعیل بن شعیب* که با وجود ضعف و حتی فاسد المذهب بودن راوی، تنها به دلیل شهرت کتاب، روایتش پذیرفته شده است نام برد (مددی، همان، ص ۳۶۶).

مثال ۲: کلینی در *الکافی* از آثار افرادی که از دیدگاه رجالیان، گاه به شدت تضعیف شده‌اند روایات فراوانی نقل کرده است. یکی از مهم‌ترین این افراد، سهل بن زیاد آدمی است. «ضعیف»، «غیرمعمد فیه»، «فاسد الروایة و الدین» از جمله توصیف‌هایی است که از شخصیت سهل بن زیاد شده است (طوسی، (۱۴۲۰)، ص ۲۲۸، ش ۳۳۹؛ نجاشی، همان، ص ۱۸۵، ش ۴۹۰؛ ابن الغضائری، (۱۳۶۴)، ص ۶۶). از بررسی منبع‌شناسانه بر روایات سهل بن زیاد این نتیجه به دست می‌آید که احتمال منبع بودن کتاب *التوحید* و کتاب *النوادر* وی در *الکافی* زیاد است (حدادی، همان، ص ۱۹۳) و این خود از شیوه و رویکرد کلینی در گزینش روایات یعنی اطمینان به صحت صدور روایات و اعتماد به کتاب‌ها خبر می‌دهد. البته این احتمال نیز وجود دارد که سهل بن زیاد، از دیدگاه کلینی، چنان که برخی محدثان معاصر مانند آیت‌الله شبیری زنجانی معتقدند^۱، در زمره افراد ضعیف نبوده باشد.

مثال ۳: یکی از منابع بسیار محتمل کلینی در *الکافی*، کتاب *اسماعیل بن ابی‌زیاد* سکونی است. سکونی در منابع فهرستی و رجالی توثیق نشده است. ابن الغضائری او را به اضطراب در حدیث و نقل از ضعف متهم کرده است (ابن الغضائری، همان، ص ۳۸)، برخی او را عامی دانسته (علامه حلی، (۱۴۰۲)، ص ۱۹۹) و برخی روایت از عامه را به او نسبت

۱. آیت‌الله شبیری زنجانی اساساً تضعیفات ائمه رجال را به خاطر قوت حدسی بودن آنها، که با قرائن متعدد قابل اثبات است و همچنین مبتنی بودن تضعیفات بر متن‌شناسی، معتبر نمی‌داند (احسنی، ۱۳۹۵).

داده‌اند (برقی، (۱۳۸۳)، ص ۲۸). منبع بودن سکونی در *الکافی*، به وضوح، اعتماد کلینی به کتاب وی را فارغ از وضعیت رجالی او نشان می‌دهد. درباره سهل‌بن زیاد، احتمال راوی صرف بودن به دلیل قرارداد داشتن در میانه سند وجود دارد، اما درباره سکونی، این احتمال نیز به دلیل اولین راوی از امام بودن منتفی است و وی تنها می‌تواند منبع (کهن‌ترین منبع) کلینی در این دسته روایات باشد (حدادی، همان، ص ۱۷۰ - ۱۸۱). اسحاق احمر نخعی نیز با وجود شهرت به داشتن اندیشه‌های غالیانه و فقدان ویژگی‌های اعتمادزا، از منابع کلینی بوده و کلینی بیش از دیگر محدثان متقدم امامی، از وی روایت کرده است (باقری، (۱۳۹۶)، ص ۱).

۲-۴. اصلاح اسانید

در فرآیند بازیابی منابع، طبقه راویان در سند روایات و نسبت راوی و مروی عنه باید بررسی شود تا از امکان نقل هر راوی از راوی دیگر اطمینان حاصل شده و مواردی مانند ارسال (حذف یک یا چند راوی)، تصحیف (تبدیل در نام راوی یا راویان) و رفع در سند کشف شود. به دلیل لزوم اطمینان از شخصیت هر راوی در سند، لازم است ابتدا شخصیت‌شناسی دقیق همه راویان سلسله سند نیز صورت گیرد تا موارد ابهام، اشتراک، تصحیف و تحریف در نام‌ها، القاب و عناوین (به ویژه در موارد اختلاف) و مواردی از این دست با مراجعه به منابع رجالی روشن شود. در خلال انجام این مقدمات، اطلاعاتی دقیق و ارزشمندی در اصلاح اسانید حاصل می‌شود (حدادی، همان، صص ۹۹ - ۱۰۰).
 مثال ۱: یکی از نام‌های مشترک در سندهای *الکافی* که میان دستکم پنج نفر مشترک است، «احمدبن محمد» است. دو نفر از این افراد، یعنی احمدبن محمد العاصمی و احمدبن محمدبن سعید، از مشایخ مستقیم کلینی هستند. در طبقه مشایخ مشایخ کلینی، با افراد دیگری با نام مشترک احمدبن محمد یعنی احمدبن محمدبن عیسی الاشعری و احمدبن محمدبن احمدبن محمد خالد برقی و احمدبن محمدبن ابی نصر مواجه می‌شویم. در فرآیند بازیابی منابع بر اسانیدی که نام احمدبن محمد در آن‌ها وجود دارد، ابتدا باید این ابهام برطرف شود تا از هر گونه اشتباه در نتیجه جلوگیری شود. رفع این گونه ابهام‌ها در اسناد معلق ضروری‌تر است.

مثال ۲: در پژوهشی پیرامون تفسیر نعمانی، دو روایت از *الکافی* نقل شده که سند آن عبارت است از: «علی بن ابراهیم عن ابيه عن بکر بن صالح عن القاسم بن برید قال حدثنا أبو عمرو الزبیدی عن أبي عبد الله» (کلینی، (۱۴۰۷)، ج ۲، ص ۳۳، ح ۱ و ص ۴۰، ح ۱). پیش از بررسی دقیق، ممکن است چنین به نظر آید که منبع اصلی این روایت، ابو عمرو زبیری است؛ اما با جستجوی بیشتر در منابع رجالی و فهرس، این تصور رد می‌شود. با مراجعه به طریق نجاشی به آثار مفضل بن عمر، از کتابی یاد شده که درباره آن گفته شده: «ما افترض الله على الجوارح من الايمان و هو كتاب الايمان و الاسلام» (نجاشی، همان، ص ۴۱۶، ش ۱۱۱۲). طریق نجاشی به این کتاب عبارت است از: «أخبرنا ابو عبد الله بن شاذان قال حدثنا علي بن حاتم قال حدثنا ابو عمر احمد بن علي الفائدي عن الحسين بن عبيد الله بن سهل السعدي عن ابراهيم بن هاشم عن بکر بن صالح عن القاسم بن برید بن معاوية عن ابي عمرو الزبیدی عن المفضل بن عمر» (همان جا). بر اساس آن که نام این کتاب با مباحث مذکور در تفسیر نعمانی و *الکافی* تناسب داشته و هم بخش پایانی سلسله سند ذکر شده توسط نجاشی با سلسله سند *الکافی* یکی است و تنها نام مفضل بن عمر در سند *الکافی* نیست، دو احتمال مطرح است؛ یکی آن که نام وی توسط ناسخان حذف شده و دیگر آن که ابو عمرو زبیری نام وی را ذکر نکرده است. در هر صورت، منبع اصلی این روایت، می‌تواند کتاب مفضل بن عمر باشد (زعفرانی زاده، (۱۳۸۶)، صص ۱۴۸-۱۴۹). این نمونه از اصلاح سند، از مقایسه دو اثر روایی در فرآیند بازیابی منبع حاصل شده است.

مثال ۳: در سند روایات اسحاق احمر در *الکافی* که پیش از این بدان اشاره شد، نام اسحاق بن محمد میان اسحاق بن محمد احمر و اسحاق بن محمد بصری مشترک است. در یک بررسی که در فرآیند بازیابی منابع صورت گرفته، این نتیجه به دست آمده که این دو عنوان مربوط به یک نفر است (باقری، همان، ص ۱۱).

مثال ۴: در اعتبارسنجی کتاب *أنا أنزلناه* حسن بن عباس حریش و بررسی منبع‌شناسانه آن در آثار محدثان بغدادی و قمی، از بررسی اختلافاتی که در منابع مختلف درباره کنیه او وجود دارد، چنین به دست می‌آید که در برخی منابع در نام وی و جدش تصحیف اتفاق افتاده است. از بررسی جامع این عنوان در منابع مختلف می‌توان دریافت که در

رجال برقی، نام او «حسین» و نام جدش «حریس» گزارش شده است. مشابه همین تصحیف در نام او در سند تفسیر علی بن ابراهیم قمی نیز اتفاق افتاده است. (باقری، ۱۳۹۴)، صص ۱۴۶-۱۴۷).

مثال ۵: بررسی منبع شناسانه کتاب زرارة بن أعین به عنوان یکی از منابع الکافی نشان می‌دهد که در سند «علی بن ابراهیم عن ابيه عن حماد بن عثمان عن حریز عن زرارة و محمد بن مسلم» احتمال دارد به علت تشابه اسمی، در اشتباهی نگارشی، نام حماد بن عثمان به جای نام حماد بن عیسی ثبت شده باشد؛ زیرا سند مطابق الکافی است و تنها درباره راوی حریز اشتباه و تصحیف رخ داده است. چنان که آیت الله خویی نیز در معجم الرجال نقل روایت ابراهیم بن هاشم از حماد بن عثمان یا حتی ملاقات او را بعید دانست است؛ زیرا حماد در زمان بعد از امام کاظم^(ع)، سال ۱۹۰ هجری از دنیا رفته، در حالی که ابراهیم بن هاشم از اصحاب امام جواد^(ع) است و از ایشان روایت دارد» (خویی، ۱۴۱۳)، ج ۱، ص ۳۱۷ و ج ۶، ص ۲۲۰). همچنین در سند «علی بن محمد عن بعض أصحابنا عن ابن ابي عمیر عن حریز عن زرارة» (کلینی، همان، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۸)، سند مرسل است؛ زیرا روایت ابن ابي عمیر (م ۲۱۷ ق) از حریز (زنده در ۱۴۸ ق) بعید است. او در طبقه متأخر از حریز قرار می‌گیرد؛ بلکه مطابق با طریق نجاشی و طوسی، وی به واسطه حماد بن عیسی (۲۰۹ ق) - که از سند افتاده - از حریز روایت کرده است (حاتمی فر و فرجامی، ۱۳۹۵)، صص ۱۳۰-۱۳۱).

۲-۵. کامل شدن طرق در فهرست‌ها

طرق آثار و به عبارت دیگر، سیر دسترسی صاحبان فهرست‌ها و به طور عمده شیخ طوسی و نجاشی به آثار حدیثی، اهمیت بسیاری در مطالعات حدیثی دارد. افزون بر تصریح نجاشی (نجاشی، همان، ص ۱۲۶، ش ۳۲۸) بر ذکر تنها برخی طرق خود به آثار، از تفاوت در برخی طرق شیخ طوسی در الفهرست با مشیخه تهذیب الاحکام و الاستبصار می‌توان دریافت که شیخ طوسی نیز، تنها برخی از طرق خود را در اثر فهرستی خود ذکر کرده است؛ بنابراین دسترسی به طرق همه آثار حدیثی و دسترسی به همه طرق هر اثر در این منابع وجود ندارد. از جمله فواید بازیابی منابع، شناسایی طرقی است که در آثار فهرستی و مشیخه‌ها وجود ندارد. هنگامی که منبع یک اثر مشخص می‌شود، افرادی که

پس از مؤلف آن اثر تا منبع شناسایی شده در سلسله سند قرار دارند، طریق آن منبع برای آن مؤلف هستند. طرق شناسایی شده در این فرآیند، تکمله‌ای برای فهرست‌ها به حساب می‌آیند.

مثال: سید محمدجواد شبیری در بازیابی منابع کتاب *الغیبة*، برخی از طرق نعمانی را به آن منابع که در فهرست‌ها ذکر نشده بازسازی کرده است. به عنوان مثال، روایات متعددی در *الغیبة* با سند «علی بن الحسین المسعودی عن محمد بن یحیی العطار (بقم) عن محمد بن حسان الرازی عن محمد بن علی الکوفی عن...» (برای نمونه نک. نعمانی، ۱۳۹۷)، صص ۸۵-۸۶، ح ۱۶-۱۷، ص ۹۰، ح ۲۰، ص ۱۱۵، ح ۱۱، ص ۱۵۶، ح ۱۸، ص ۱۸۳، ح ۳۴) وجود دارد. این سندها تا محمد بن علی الکوفی مشترک و بعد از آن مختلف است. قسمت مشترک یادشده در این اسانید، طریق نعمانی به کتاب محمد بن علی الکوفی شناخته شده و احتمال منبع بودن از دیگر افراد مانند محمد بن یحیی و محمد بن حسان الرازی که با روش‌های دیگر احتمال منبع بودنشان مطرح شده بود، نفی شده است (شبیری، ۱۳۹۴)، ص ۴۱۲. شبیری در صدد بوده است تا طریق نعمانی به آثار منابع شناسایی شده را توسط بررسی اسانید پرتکرار الغیبة نیز به دست آورد. به عنوان مثال از تکرار بخش «محمد بن همام و محمد بن الحسن بن الجمهور عن الحسن بن محمد بن جمهور» در ابتدای چندین سند الغیبة به این نتیجه رسیده است که بخش تکراری، طریق نعمانی به کتاب الحسن بن محمد بن جمهور است (همان، ص ۴۰۴).

مثال ۲. شواهد موجود در روایات کلینی از محمد بن یحیی از اشعری از ابن محبوب از جمیل بن صالح از فضیل بن یسار از صادقین علیهم السلام، منبع بودن ابن محبوب را برای کلینی، به شدت تقویت می‌کند. در فهرست‌ها، طریقی برای کلینی به آثار ابن محبوب ذکر نشده است. بنابر نتایج فرآیند بازیابی منابع در این دسته روایات، طریق کلینی به آثار ابن محبوب به دست می‌آید که عبارت است از: کلینی؛ محمد بن یحیی؛ احمد بن محمد بن عیسی؛ ابن محبوب (حدادی، همان، ص ۱۹۷). همچنین در بررسی روایات کلینی از علی بن محمد از سهل از احمد بن محمد بن ابی نصر از عبدالکریم بن عمرو از ابوبصیر از صادقین علیهم السلام، در فهرست‌ها از کلینی، علی بن محمد و سهل، به آثار

احمدبن محمدبن ابی نصر طریقی ذکر نشده است. نتایج حاصل از بازیابی منابع، احتمال منبع بودن احمدبن محمدبن ابی نصر را به ویژه در برخی آثار وی مانند *الجامع*، برای کلینی به شدت تقویت می کند. بنابراین طریق کلینی به دست کم همان آثار عبارت است از: کلینی - علی بن محمد؛ سهل بن زیاد؛ احمدبن محمدبن ابی نصر (همان، ص ۱۶۳).

۲-۶. گردآوری اطلاعات دقیق تر در خصوص آثار روایی

بازیابی منابع، نیازمند بررسی دقیق بر آثار روایی، تعداد نسخه ها و تشخیص تفاوت های آن ها، اعتماد عالمان حوزه های مختلف به یک کتاب یا نسخه ای خاص، عناوین آثار، میزان شهرت و در دسترس بودن آن ها در دوره های مختلف و حوزه های گوناگون و اطلاعاتی از این قبیل است. دستیابی به این مجموعه از اطلاعات دقیق پیرامون آثار، از دستاوردهای جانبی بازیابی منابع است.

مثال ۱: قاضی نعمان مغربی در کتاب *الایضاح* همه جا از کتاب عبیدالله بن علی الحلبی به عنوان *جامع الحلبی* یاد کرده و به گونه ای آشکار، میان این کتاب و کتاب *المسائل* که همه جا از آن با عبارت «کتاب الحلبی المعروف بکتاب المسائل» نام برده شده، تمایز قائل است. اگر در صحت گفته قاضی نعمان تردید نکنیم، یکی پنداشتن *جامع حلبی* و *مسائل حلبی* اشتباه خواهد بود. مدرسی طباطبایی عنوان «کتاب» را بر همین «جامع» اطلاق کرده است (عمادی حائری، (۱۳۹۴)، ص ۱۴۲).

مثال ۲: از میان عالمان بغدادی، تنها نعمانی، شیخ مفید و شیخ طوسی احادیثی را به واسطه محدثان قمی از کتاب حسن بن عباس بن حریش روایت کرده اند. روایات این محدثان بغدادی در آثارشان نشان از آن دارد که تنها نصوصی را از این کتاب پذیرفته اند که بر وجود دوازده امام علیهم السلام دلالت دارند و سایر مطالب آن همواره مورد پذیرش آن ها نبوده است. اختصاص نسخه های کتاب به محدثان قمی و وجود نداشتن نسخه ای کوفی - بغدادی از آن را نیز می توان نشانه ای از بی اعتمادی بغدادیان به درستی آن تفسیر کرد. در مقابل، این کتاب در میان محدثان مکتب حدیثی قم از اعتباری بالایی برخوردار بوده است؛ تا آن جا که برخی از محدثان بزرگ قمی مانند احمدبن محمدبن عیسی اشعری قمی، محمدبن حسن بن صفار، محمدبن یعقوب کلینی و محمدبن حسن بن ولید قمی از آن روایت کرده اند. احمدبن محمدبن عیسی کتاب را به

طور مستقیم و ابن‌ولید قمی آن را با واسطه صفار از احمد بن اسحاق بن سعد اشعری قمی از مؤلف آن روایت کرده‌اند. دیگر محدثان قم همچون شیخ صدوق و علی بن محمد بن علی خزاز قمی رازی نیز احادیثی از این کتاب را نقل کرده‌اند (باقری، همان، ص ۱۵۰).

۲-۷. شناسایی طرق مورد اعتماد محدثان در سندهای پرتکرار

در بررسی سندهای یک اثر حدیثی به منظور دسته‌بندی آن‌ها در فرآیند بازیابی منابع، برخی ویژگی‌ها مانند تکرار سند، هویدا می‌شود. وجود سندهای پرتکرار در یک اثر مانند *الکافی* گویای آن است که مؤلف اثر، تنها به برخی از روایات کتابی که سند پرتکرار را از آن گرفته اعتماد نداشته است؛ بلکه اعتماد وی به همه یا بسیاری از روایات آن کتاب یا اعتماد کامل به مؤلف آن است. چنان که مثلاً تعدد روایت کلینی از محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری، که فردی مجهول است، دلیل بر حسن حال او یا وثاقتش شناخته شده است (ابن شهید ثانی، (۱۳۶۲)، ج ۱، ص ۴۵؛ استرآبادی، (۱۴۲۲)، ج ۱، ص ۱۵۰؛ اردبیلی، (۱۴۰۳)، ج ۲، ص ۷۲؛ مازندرانی حائری، (۱۴۱۶)، ج ۱، ص ۹۲). با این فرض باید گفت تکرار تمام سند در یک اثر، اعتماد مؤلف بر تمامی افراد آن سلسله سند و به عبارت دیگر اعتماد بر آن سلسله سند است. تکرار زیاد اسانید در یک اثر، تا حد زیادی گویای آن است که مؤلف اثر به منبعی که آن روایات را از آن استخراج کرده است دسترسی داشته است.

مثال: کتاب *الکافی* شامل سندهای پرتکرار فراوانی است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: سند علی بن ابراهیم عن ابیه عن النوفلی عن السکونی عن ابی عبدالله^(ع) با ۴۶۲ بار تکرار، سند علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن حماد عن الحلبي عن ابی عبدالله با ۴۱۳ بار تکرار و سند علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن معاویه بن عمار عن ابی عبدالله^(ع) با ۱۹۴ بار تکرار، سند علی عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن هشام بن سالم عن ابی عبدالله^(ع) با ۹۹ بار تکرار و سند عدة من اصحابنا عن سهل بن زیاد عن جعفر بن محمد الاشعری عن ابن القداح عن ابی عبدالله^(ع) با ۸۹ بار تکرار (قربانی، (۱۳۹۴)، ص ۱۲۳ - ۱۲۵). این سندها را می‌توان سندهایی دانست که کلینی اعتماد فراوان بدان‌ها داشته است.

۲- ۸. آگاهی از نحوه تعامل حوزه‌های حدیثی با یکدیگر

تبادل آثار مکتوب حدیثی میان حوزه‌های حدیثی، شهرت آثار یک حوزه در حوزه‌های دیگر، وجود نسخه‌های متفاوت از آثار در برخی حوزه‌ها، اعتماد یا عدم اعتماد محدثان یک حوزه نسبت به یک اثر، سفرها یا مهاجرت محدثان هر حوزه به حوزه‌های دیگر به منظور دریافت حدیث و مواردی چنین، اطلاعاتی است که از بررسی‌هایی قابل استخراج است که در فرآیند بازیابی منابع صورت می‌گیرد.

مثال ۱: بررسی منبع‌شناسانه روایات اعتقادی *الکافی* نشان می‌دهد که کلینی از سایر بزرگان قم مانند محمدبن یحیی العطار، حسین بن محمد بن عامر، احمد بن ادریس، سعد بن عبدالله اشعری و عبدالله بن جعفر حمیری به وفور استفاده کرده است. مجموع روایات مشایخ قمی کلینی ۱۴۸۲۲ روایت است که در مقایسه با ۱۸۸۶۳ سند روایات به کار رفته در *الکافی*، ۵/۷۸ درصد سندهای کتاب را شامل می‌شود. باید توجه داشت که بخش عظیمی از این روایات، میراث حدیثی مدارس سایر حوزه‌ها مانند عراق است که مشایخ قمی کلینی، تنها راوی کتاب‌های آن‌ها بوده‌اند. به عنوان نمونه، علی بن ابراهیم ۵۶۳۰ روایت در *الکافی* دارد که ۸۵ درصد آن‌ها را از پدرش روایت کرده است؛ اما پدرش ابراهیم بن هاشم، راوی مشهور و اولین راوی و طریق مهم انتقال کتاب‌ها و احادیث کوفیان به قم است. از این رو نباید روایات علی بن ابراهیم که حدود یک سوم روایات *الکافی* را تشکیل می‌دهد، به حساب مدرسه قم گذاشت؛ بلکه بخش عمده آن روایات و کتاب‌های مدرسه کوفه است که به وسیله ابراهیم بن هاشم و فرزندش گزارش شده است (اثباتی و طباطبایی، (۱۳۹۶)، ص ۲۷۰).

مثال ۲: چنان که در *مشیخه من لایحضر آمده*، طریق شیخ صدوق به *الکافی*، طریق اهل ری است. *رجال نجاشی*، *فهرست طوسی* و *مشیخه تهذیب*، گویای طرق بغدادی نجاشی و شیخ طوسی به *الکافی* هستند. افرادی که از میان قمیان به نشر احادیث کلینی پرداخته‌اند عبارتند از: جعفر بن محمد بن قولویه؛ محمد بن احمد قمی؛ محمد بن علی ماجیلویه؛ محمد بن علی بن بابویه قمی؛ احمد بن محمد بن ولید قمی (حمادی و حسینی، (۱۳۹۶)، صص ۱۳۶-۱۳۸ و ۱۳۹-۱۴۳). طرق یادشده و ناقلان یک اثر از حوزه حدیثی دیگر غیر از خاستگاه آن اثر روایی، نمونه‌ای از نحوه تعامل حوزه‌های حدیثی مختلف با یکدیگر در انتقال آثار است.

۲-۹. یافتن شواهد بیشتر در مکتوب بودن منابع آثار روایی

حدیث پژوهان غربی بر این باور بوده‌اند که حدیث اسلامی در دوره‌ای طولانی تنها به صورت شفاهی منتقل شده است. گلدتسیهر^۱ آغاز تدوین جوامع حدیثی را پایان قرن دوم و نیمه نخست قرن سوم، مبتنی بر نقل شفاهی می‌دانسته است (نیل‌ساز، ۱۳۹۳) ب، ص ۱۸). سزگین ضمن نقد آراء وی، نظریه‌ای مبنی بر نقل مکتوب حدیث ارائه کرده است. بنابر نظریه سزگین، نقل حدیث از همان ابتدا مبتنی بر منابع مکتوب بوده و مؤلفان آثار روایی، گرچه آثار خود را به طور عمد به صورت شفاهی در مجالس درس ارائه می‌کرده‌اند، اما احادیث‌شان را از منابع مکتوب برمی‌گرفته‌اند. سزگین با اشاره به دوره‌های سه‌گانه تکامل احادیث شامل کتابه الحدیث، تدوین الحدیث و تصنیف الحدیث، آغاز نگارش حدیث را همزمان با نگاشته‌های صحابه و تابعین در دفترهای ساده‌ای دانسته است که صحیفه یا جزء نامیده می‌شده است. وی ابن‌شهاب زهری (د ۱۲۴ ق) را به عنوان یکی از مهم‌ترین مدوّنان در دوره دوم، و ابن‌جریج (م ۱۵۰ ق)، معمر بن راشد (م ۱۵۳ ق)، سعید بن ابی‌عروبه (م ۱۵۶ ق) و سفیان ثوری (م ۱۵۰ ق) را اولین مصنّفان حدیث اسلامی معرفی کرده است (سزگین، ۱۳۸۰)، صص ۹۸-۱۰۱). سزگین معتقد است که سندهای روایات به هیچ وجه دلالت بر نقل شفاهی ندارد؛ بلکه در آن‌ها از مؤلفان و راویان مجاز کتاب‌ها نام برده شده است. وی حتی ترتیب مطالب و فصل‌بندی کتاب‌ها را تا حد زیادی مبتنی بر منابع مکتوبی می‌داند که آن روایات از آن‌ها اخذ شده است (همان، ص ۱۱۹). گریگور شولر^۲ دیدگاه سزگین مبنی بر شیوه نقل فقط مکتوب روایات را نپذیرفته و نقل شفاهی و مکتوب را نه دو روند جداگانه، بلکه دو شیوه مکمل به شمار آورده است (شولر، ۱۳۹۳)، ص ۴۹). وی همچنین به تغییر و تحول متون در روند ارائه در مجالس درس شامل روش‌های مختلف اساتید در ارائه درس اعم از نقل شفاهی یا مراجعه به متن، انتقال به شیوه قرائت به جای سماع و بازنگری‌های استاد در مطالب ارائه شده در دوره‌های مختلف تدریس خود و علاوه بر آن شیوه‌های مختلف ثبت و نقل روایات توسط شاگردان استناد کرده است. شولر عدم تمایز میان درس نوشته‌ها

^۱ Ignaz Goldziher (1850 - 1921)

^۲ Gregor schoeler (1944-)

و کتاب‌های واقعی را از سوی سزگین و سپس پیوند دادن مسئله وثاقت با مکتوب بودن منابع را از اشکالات نظریه نقل مکتوب سزگین دانسته است (نیل ساز، (۱۳۹۳) الف، صص ۳۳۱-۳۳۶).

در بررسی‌های سندی و متنی روایات در فرآیند بازیابی منابع، اطلاعاتی به دست می‌آید که شواهدی در مکتوب بودن منابع آثار روایی پیش رو قرار می‌دهد. تصریح مؤلف به منابع خود، نام بردن از منابع به عنوان توضیح در سند، تکرار زیاد یک طریق که احتمال اخذ آن روایات به نحوه شفاهی را به شدت تضعیف می‌کند، مطابقت کامل روایات در منابع مختلف که اشکالات ناشی از نقل شفاهی در آن نیست، نمونه‌هایی از این اطلاعات است.

مثال. در بررسی سندهای پرتکرار *الکافی* و مشاهده تعداد زیاد روایات با سند «علی بن ابراهیم از پدرش از نوفلی از سکونی از امام صادق (ع)^۴ این سوال مطرح شده است که آیا در بین روایان شیعه، عرف بوده که فردی مانند ابراهیم بن هاشم، چهارصد روایت در موضوعات گوناگون از نوفلی در ذهن داشته و به پسرش منتقل کرده و او به کلینی رسانده است و از ابن ابی عمیر نیز دو هزار روایت به خاطر سپرده و بعد به طور شفاهی به نسل بعد منتقل کرده باشد؟ پاسخ منطقی که در این پرسش نهفته است آن است که روایات این طریق، به شیوه مکتوب به کلینی رسیده است؟ ضمن آن که از مقابله میان روایات تهذیب *الاحکام* که در آن به اخذ از منابع مکتوب تصریح شده است با روایات *الکافی*، می‌توان به این نتیجه رسید که روایات *الکافی* مانند تهذیب، اضطراب در متن ندارد و بنابراین منابع *الکافی* نیز مانند تهذیب، مکتوب بوده‌اند (قربانی، (۱۳۹۴)، ص ۱۲۱).

۲-۱۰. شناسایی موارد نقل شفاهی

در فرآیند بازیابی منابع، چنانچه نسبت به منبع بودن فردی در یک روایت یا دسته‌ای از روایات اطمینان وجود داشته باشد و آن روایت/روایات در اثر فرد مورد نظر وجود نداشته باشد، احتمال انتقال شفاهی آن روایت/روایات مطرح می‌شود.

مثال ۱: در *الغیبة نعمانی*، روایتی با سند «و أخبرنا محمد بن یعقوب الكلینی أبو جعفر قال النعمانی...» (نعمانی، همان، ص ۲۷۹، ح ۶۷) وجود دارد. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد

که این روایت در *الکافی* نیست. از میان هشتاد روایتی که نعمانی در کتاب *الغیبة* از کلینی نقل کرده، فقط یک روایت وجود دارد که در *الکافی* نیست. با توجه به این که نعمانی شاگرد مستقیم کلینی بوده، احتمال دارد آن روایت را به طور شفاهی دریافت کرده باشد (معرفت و غفوری‌نژاد، (۱۳۹۷)، ص ۱۰).

مثال ۲: شبیری در شناسایی منبع روایاتی که سندهای آن‌ها شامل نام‌های مبهم (رجل، بعض رجاله، عن ذکره و ...) است، پس از بیان این قاعده که در این سندها، فرد/افراد متأخر از نام مبهم، منبع روایت هستند، در صورتی که این فرد/افراد صاحب کتاب نباشند، آن روایت/روایات را از دسته روایات شفاهی به حساب آورده است. نمونه این سند را در *الغیبة* نعمانی می‌توان یافت: «حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد عن بعض رجاله عن علي بن عمارة الكناني قال حدثنا محمد بن سنان عن أبي الجارود عن أبي جعفر^(ع)» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۹۴، ح ۲). این روایت در زمره روایات شفاهی نعمانی از کلینی شناخته شده است به دلیل آن که در سند آن، احمد بن محمد بن سعید صاحب کتاب نیست (شبیری زنجانی، (۱۳۹۴)، صص ۳۸۶ - ۳۸۹).

۲-۱۱. دستیابی به یافته‌های جدید در نتیجه تحلیل‌های آماری

نتایج حاصل از مقایسه و بررسی سندهای روایات از جنبه کمی و شناسایی کمی و زیادی نقل از افراد مختلف که می‌تواند گویای اعتماد محدثان به روایات آنان باشد، از دستاوردهای جانبی بازیابی منابع آثار روایی است.

مثال. با مراجعه به اسناد روایات معاویة بن عمار در *الکافی* (۵۲۲ سند در ۳۱۹ حدیث) می‌توان دریافت که حدود هشتاد درصد این اسناد (۴۰۵ سند از ۵۲۲ سند) را ابن ابی عمیر یا صفوان بن یحیی از او روایت کرده‌اند و بیست درصد باقی‌مانده از ۳۸ راوی دیگر نقل شده است. فراوانی نقل این دو نفر از معاویة بن عمار، این احتمال را تقویت می‌کند که آنان راوی کتاب‌های او برای مشایخ بعدی باشند (پهلوان و دیگران، (۱۳۹۶)، ص ۳۸).

۲- ۱۲. آشنایی با سیر انتقال دانش حدیثی

انتقال دانش حدیثی به طور مستقیم از افراد یا از کتاب‌هایشان، فرآیند گاه پیچیده‌ای بوده است که به عوامل مختلفی از قبیل دسترسی به محدثان یا آثار آنان، معیارها و سلاقی محدثان در دریافت روایات از افراد یا آثار مختلف، جایگاه محدثان یا آثار آنان در حوزه‌های حدیثی و اقبال و ادبار محدثان آن حوزه به آن‌ها و عواملی چنین بستگی داشته است. شناسایی این فرآیند که از دستاوردهای جانبی بازایی منابع است، بر گنجینه اطلاعات تاریخی، رجالی و فهرستی می‌افزاید.

مثال. در بازایی منابع روایات تاریخی *الکافی*، ضمن بررسی روایات جعفر بن محمد کوفی این چنین به دست آمده است که کلینی گاه با یک واسطه و در موارد کمتری با دو واسطه از وی نقل کرده است. واسطه کلینی در دریافت این روایات، علی بن محمد علان الکلینی و احتمالاً کتاب وی یعنی *اخبار القائم* است. برخی از منقولات کتاب‌های جعفر بن محمد کوفی به خصوص آن دسته که مربوط به امام عسکری^(ع) و امام زمان^(ع) بوده، توسط علی بن محمد در کتاب *اخبار القائم* نقل شده و از این طریق به کتاب *الکافی* وارد شده است. به نظر می‌رسد علی بن محمد، که در عصر غیبت صغرا می‌زیسته، علاوه بر اخبار و روایات پراکنده که شنیده و جمع‌آوری کرده، منابع مدونی هم در اختیار داشته که در تألیف کتابش از آن‌ها بهره برده است. کتاب *اخبار السید اسحاق بن محمد نخعی* از منابع مهم این کتاب بوده است و بیشتر درباره اخبار مربوط به امام حسن عسکری^(ع) است. کتاب‌های جعفر بن محمد کوفی را هم باید از دیگر منابع کتاب *اخبار القائم* بر شمرده (اثباتی و طباطبایی، ۱۳۹۳)، صص ۴۳-۴۵). به این ترتیب سیر انتقال احادیث مربوط به امام زمان^(ع) با واسطه علی بن محمد به *الکافی* مشخص می‌شود.

نتیجه‌گیری

۱. بازایی منابع آثار روایی به صورت روش‌مند و دقیق، از دسته پژوهش‌های بنیادین در مطالعات روایی است.
۲. بازایی منابع آثار روایی علاوه بر نتایج مستقیم آن در شناسایی منابع آثار روایی، دستاوردهایی برای دیگر مطالعات حدیثی دارد که در این پژوهش دوازده دستاورد به

عنوان نمونه مطرح شد. این دستاوردها عبارتند از: تاریخ‌گذاری حدیث؛ بازسازی آثار از دست رفته؛ آشنایی با شیوه محدثان در اخذ روایت از آثار حدیثی؛ اصلاح اسانید؛ کامل شدن طرق در فهرست‌ها؛ گردآوری اطلاعات دقیق‌تر در خصوص آثار روایی؛ شناسایی طرق مورد اعتماد محدثان در سندهای پرتکرار؛ آگاهی از نحوه تعامل حوزه‌های حدیثی با یکدیگر؛ یافتن شواهد بیشتر در مکتوب بودن منابع آثار روایی؛ شناسایی موارد نقل شفاهی؛ دستیابی به یافته‌های جدید در نتیجه تحلیل‌های آماری و آشنایی با سیر انتقال دانش حدیثی.

۳. دستاوردهای یادشده، گویای اهمیت این دسته مطالعات در میان مطالعات حدیثی است که از لزوم انجام مطالعات عمیق‌تر و جدی‌تر در این حوزه حکایت دارد.



منابع

۱. ابن الغضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴ ق). *رجال ابن الغضائری*، قم: موسسه اسماعیلیان.
۲. اثباتی، اسماعیل و طباطبایی، سید کاظم (۱۳۹۶). تبارشناسی منابع روایات اعتقادی الکافی، *کتاب قیّم*، ۷ (۱۷) صص ۲۶۵ - ۲۸۸.
۳. ----- (۱۳۹۳). جستاری در باب منابع داده‌های تاریخی کتاب الکافی، *علوم حدیث*، ۱۹ (۱)، صص ۲۹ - ۵۲.
۴. احسنی، ؟ (۱۳۹۵). الامر فی توثیق سهل سهل، <https://fa.mfeb.ir/zkrrejal48>
۵. اردبیلی، محمد بن علی (۱۴۰۳). *جامع الرواة و اراحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد*، چاپ اول، لبنان: دار الاضواء.
۶. استرآبادی، محمد بن علی (۱۴۲۲). *منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال*، قم: مؤسسه آل البيت.
۷. اکبرنژاد، مهدی و دیگران (۱۳۹۲). شیوه کلینی در گزینش احادیث کافی، *صحیفه مبین*، ش ۵۳، صص ۱۱۳ - ۱۳۰.
۸. باقری، حمید (۱۳۹۲). نگاهی به نقش و جایگاه مؤلفه‌های کتاب‌محور در ارزیابی حدیثی قدما در پرتو تحلیل فهرستی، *علوم حدیث*، ۱۸ (۲)، صص ۳ - ۲۸.
۹. ----- (۱۳۹۴). حسن بن عباس حریش و کتاب انا انزلناه فی لیلۃ القدر وی؛ نمونه کتابی عرضه‌شده بر امام، *حدیث پژوهی*، ۷ (۱۳)، صص ۱۳۳ - ۱۶۶.
۱۰. ----- (۱۳۹۶). الکافی و روایات اسحاق بن محمد احمر نخعی؛ تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق، *علوم قرآن و حدیث*، ۴۹ (۱) ۹ - ۲۸.
DOI:10.22067/NAQHS.V0I0.55271
۱۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۸۳ ق)، *رجال برقی*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. پهلوان، منصور و دیگران (۱۳۹۶). بازسازی کتاب الحج معاویة بن عمار و ارزیابی طرق روایات آن با تأکید بر احادیث زیارت، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، ۵۰ (۱)، صص ۳۳ - ۵۹.
DOI:10.22059/JQST.2017.211536.668689
۱۳. حاتمی مهر، سمیرا و فرجامی، اعظم (۱۳۹۵). الگویابی اسناد کلینی به کتاب زرارة بن أعین، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۱۳ (۲)، صص ۱۱۹ - ۱۵۰.
DOI:10.22051/TQH.2016.2357
۱۴. حدادی، آمنه (۱۴۰۰). *تحلیل انتقادی کارکرد حلقه مشترک در بازیابی منابع آثار روایی؛ مطالعه موردی کتاب الکافی*، رساله دکتری، راهنما: نصرت نیل ساز، دانشگاه تربیت مدرس.

۱۵. حدادی، آمنه؛ نیل‌ساز، نصرت؛ غروی نائینی، نهله؛ رحمتی، محمد کاظم (۱۴۰۰) الف. تحلیل انتقادی روش سید محمدجواد شبیری در بازیابی منابع آثار روایی، *مطالعات فهم حدیث*، ۸(۱۵)، ۱۳۳-۱۵۴. DOI: 10.479/mfh.2021.2494
۱۶. حدادی، آمنه؛ نیل‌ساز، نصرت؛ غروی نائینی، نهله؛ رحمتی، محمد کاظم (۱۴۰۰) ب. تحلیل کارکرد حلقه مشترک در بازیابی منابع آثار روایی؛ مطالعه موردی روایات علی‌بن‌ابراهیم در الکافی، *علوم قرآن و حدیث*، ۵۳(۲)، ۲۷۱-۲۹۳. DOI:10.22067/JQURAN.2021.61859.0
۱۷. حسینی شیرازی، سید علیرضا (۱۳۹۷). *اعتبارسنجی احادیث شیعه؛ زیرساخت‌ها، فرآیندها، پیامدها*، چاپ اول، تهران: سمت.
۱۸. حلی، حسن‌بن‌داود (۱۳۸۳ق). *کتاب الرجال*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. حلی، حسن‌بن‌یوسف (۱۴۱۱ق). *خلاصه الأَقوال فی معرفة أحوال الرجال* قم: دارالذخائر.
۲۰. حمادی، عبدالرضا و حسینی، سید علیرضا (۱۳۹۳)، بازشناسی منابع کلینی در تدوین کافی، *حدیث پژوهی*، ش ۶، صص ۱۸۱-۲۰۶
۲۱. حمادی، عبدالرضا و حسینی، سید علیرضا (۱۳۹۶). کلینی و حوزه حدیثی قم، *حدیث پژوهی*، ۹(۱۷)، ۱۲۵-۱۴۶.
۲۲. خدامیان آرانی، مهدی (۱۳۹۴). محدثان قدیم شیعه و تحلیل کتابشناسی حدیث، *بازسازی متون کهن حدیث شیعه، روش، تحلیل، نمونه*، به کوشش: سیدمحمد عمادی حائری، قم: دارالحدیث.
۲۳. خوبی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق). *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، چاپ پنجم، بی جا: بی نا.
۲۴. زعفرانی‌زاد، سعید (۱۳۸۶)، سرچشمه‌های متنی کهن، سیری در منابع تفسیر نعمانی، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال اول، ش اول، صص ۱۴۵-۱۶۲.
۲۵. سرزگین، فواد (۱۳۸۰). *تاریخ نگارش‌های عربی*، ترجمه موسسه نشر فهرستگان، ج ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۲۶. شبیری زنجانی، سید محمدجواد (۱۳۹۴). منابع نعمانی در غیبت، *بازسازی متون کهن حدیث شیعه؛ روش، تحلیل، نمونه*، قم: دارالحدیث، صص ۳۷۹-۴۳۰.
۲۷. شیرازی، رضا و ملکی، محمود (۱۴۰۱). ارزیابی حدیث به روش تحلیل فهرستی؛ دیدگاه‌ها و مبانی، *مطالعات قرآن و حدیث*، ۱۵(۲)، ۲۵-۵۶.

۲۸. شولر، گریگور (۱۳۹۳). **شفاهی و مکتوب در نخستین سده های اسلامی**، ترجمه نصرت نیل ساز چاپ اول، تهران: حکمت.
۲۹. صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳ق). **من لایحضره الفقیه**، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. صفاریان همدانی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۹). نظریه تحلیل فهرستی احادیث؛ چستی و ابهامات، **مطالعات فهم حدیث**، ۷(۱)، ۲۴۹-۲۷۱.
۳۱. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۲۰ق). **فهرست کتب الشیعه و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الاصول**، تحقیق عبدالعزیز طباطبایی، قم: محقق طباطبایی.
۳۲. عمادی حائری، سید محمد (۱۳۹۴). محدثان قدیم شیعه و تحلیل کتابشناسی حدیث، **بازسازی متون کهن حدیث شیعه؛ روش، تحلیل، نمونه**، قم: دارالحدیث.
۳۳. عمادی حائری، سیدمحمد (۱۳۹۴). درنگی در منابع مکتوب الايضاح، **بازسازی متون کهن حدیث شیعه؛ روش، تحلیل، نمونه**، به کوشش: سیدمحمد عمادی حائری، قم: دارالحدیث، صص ۴۳۱-۴۴۶.
۳۴. -----، ----- (۱۳۹۴). منابع نعمانی در غیبت، **بازسازی متون کهن حدیث شیعه؛ روش، تحلیل، نمونه**، به کوشش: سیدمحمد عمادی حائری، قم: دارالحدیث، صص ۳۷۹-۴۳۰.
۳۵. غفوری نژاد، محمد و معرفت، محمد (۱۳۹۶). تحلیل مصدرشناختی احادیث الغیبه شیخ طوسی، **شیعه پژوهی در اسلام**، ۱۷(۵۷)، ۵-۲۸.
۳۶. قاسم پور، محسن و مختاری هاشم آبادی، ابوطالب (۱۳۹۵). مبنای متن محورانه علامه مجلسی در انتخاب مصادر و احادیث بحارالانوار با تأکید بر احادیث ناظر بر امامت، علوم حدیث، ۲۱(۲)، ۱۰۶-۱۳۷.
۳۷. قاسم پور، محسن و مختاری هاشم آبادی، ابوطالب (۱۳۹۶). مبانی اعتبارسنجی روایات بحارالانوار نزد علامه مجلسی، **حدیث پژوهی**، ۹(۱۸)، ۱۴۳-۱۶۴.
۳۸. قربانی، محمد (۱۳۹۴). اسناد پرتکرار نشانی از منابع مکتوب الکافی، **حدیث حوزه**، ۵(۱۰)، ۱۱۳-۱۳۶.
۳۹. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). **الکافی**، چاپ چهارم، به تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. مازندرانی حائری، محمدبن اسماعیل (۱۴۱۶ق). **منتهی المقال فی احوال الرجال**، قم: مؤسسه آل البيت.
۴۱. مددی، سید احمد (۱۳۹۴). گفتگو، **بازسازی متون کهن حدیث شیعه، روش، تحلیل، نمونه**، به کوشش: سیدمحمد عمادی حائری، قم: دارالحدیث.

۴۲. ---،----- (۱۳۹۳). **نگاهی به دریا، قم: موسسه کتاب‌شناسی شیعه.**
۴۳. معارف، مجید (۱۳۹۳). **جوامع حدیثی اهل سنت**، چاپ پنجم تهران: سمت.
۴۴. موتسکی، هارالد (۱۳۸۵). مصنف عبدالرزاق صنعانی؛ منبعی برای احادیث قرن نخست هجری، ترجمه شادی نفیسی، **علوم حدیث**، ۱۱ (۲)، ۹۵-۱۲۲.
۴۵. ---،----- (۱۳۹۴). ارزیابی تاریخ‌گذاری احادیث، **تاریخ‌گذاری حدیث؛ روش‌ها و نمونه‌ها**، به کوشش و ویرایش سیدعلی آقایی، تهران: حکمت.
۴۶. نجاشی، احمدبن علی (۱۴۰۷ق). **رجال**، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۴۷. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷ق). **الغیبة**، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۴۸. نیل‌ساز، نصرت (۱۳۹۳) الف. تبیین و ارزیابی نظریه سزگین درباره شناسایی بازسازی منابع جوامع روایی، **پژوهش‌های قرآن و حدیث**، ۴۷ (۲)، ۳۲۱-۳۴۶.
۴۹. ---،----- (۱۳۹۳) ب. **خاورشناسان و ابن‌عباس**، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

50. Tasseron, Ella Landau (2004). On The Reconstruction of the Lost Sources, *Al-Qnatar*, V.25 (1), pp. 45- 92.

References

1. Ibn al-Ghadā'irī, Ahmad bin Hussein (1364 AH). Rijāl, Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]
2. Esbati, Ismail; Tabataba'i, Seyed Kazem (2017). "Genealogy of the Sources of Al-Kāfī's Belief Narratives", Kitab Qayyim, vol. 17: pp. 265-288. [In Persian]
3. Esbati, Ismail; Tabataba'i, Seyed Kazem (2014). "Research on sources of historical data of the book al-Kāfī", Hadith Sciences, vol. 71: pp. 52-29. [In Persian]
4. Ahsani (2016). Al-'Amr fī Sahl al-Sahl, (available at: <https://fa.mfeb.ir/zkrrejal48>); [In Arabic]
5. Ardabīlī, Muhammad Bin Ali (1403 AH). Jāmi' Al-Ruwāt wa 'Irāhat Al-Ishtibāhāt 'an al-Turuq wal-Asnād, Lebanon: Dar Al-Adwā', first edition. [In Arabic]
6. Astarābādī, Muhammad Bin Ali (1422 AH). Manhaj al-Maqāl fī Tahqīq Ahwāl al-Rijāl, Qom: Āl al-Bayt Institute. [In Arabic]
7. Akbarnejad, Mahdi et al. (2013). "Kulainī's method in selecting sufficient hadiths", Sahifa Mobeen, vol. 53: pp. 113-130. [In Persian]
8. Bagheri, Hamid (2013). "A look at the role and position of book-based components in the early scholars' narrative evaluation in the light of list analysis," Hadith Sciences, 18(2): pp. 28-3. [In Persian]
9. Bagheri, Hamid (2015). "Hassan Ibn Abbas Harīsh and his book 'Innā Anzalnāhu fī Laylat al-Qadr; an example of a book presented to the Imam", Hadith Research, vol. 13: pp. 166-133. [In Persian]
10. Bagheri, Hamid (2016). "Al-Kāfī and Hadiths of Ishāq ibn Muhammad Ahmar Nakha'ī; an attempt to identify the Kulainī's source in the transmission of Ishāq's narrations", Approaches in Qur'anic and Hadith Sciences, 49(1): pp. 28-9. [In Persian]
DOI:10.22067/NAQHS.V0I0.55271
11. Barqī, Ahmad bin Mohammad bin Khalid (1383 AH). Rijāl, Tehran: University of Tehran. [In Arabic]
12. Pahlavan, Mansour et al (2017). "Reconstruction of the Hajj Book of Mu'āwīyah bin 'Ammār and evaluation of its

traditions with emphasis on pilgrimage hadiths", Qur'an and Hadith Researches, vol. 1: pp. 33-59. [In Persian]
DOI:10.22059/JQST.2017.211536.668689

13. Hatami-Mehr, Samira; Farjami, A'zam (2016). "Patternization of Kulainī's sanads to the book of Zurāra ibn 'A'yan", Qur'an and Hadith Science Research, vol. 30: pp. 119-150. [In Persian]
DOI:10.22051/TQH.2016.2357
14. Haddadi, Amineh et al. (2021-A). "Critical analysis of Sayed Mohammad Javad Shubiri's method in reconstructing the sources of narrative works", Hadith Understanding Studies, 8(1): pp. 154-133. [In Persian]
15. Haddadi, Ameneh (2021-B). "Critical analysis of the function of the common circle in reconstructing sources of narrative works; case study of Al-Kāfī book", [Doctoral dissertation, supervisor: Nosrat Nilsaz,] Tarbiat Modares University. [In Persian]
DOI: 10.479/mfh.2021.2494
16. Haddadi, Amineh et al. (2021-C). "Analysis of the function of the common link in reconstructing sources of narrative works; case study of the hadiths of Ali ibn Ibrahim in al-Kāfī", Qur'an and Hadith Sciences, 53(2): pp. 271-293. [In Persian]
DOI:10.22067/JQURAN.2021.61859.0
17. Hosseini Shirazi, Seyed Alireza (2018). Validation of Shia Hadiths; Infrastructures, Processes, Consequences, Tehran: Samt, first edition. [In Persian]
18. Hillī, Ibn Dawood (1383 AH). Rijāl, Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
19. Hillī, Hassan bin Yusuf (Allamah Hillī) (1411 AH). Al-Khulāsa, Qom: Dar al-Dhakhā'ir. [In Arabic]
20. Hammadi, Abdul-Reza; Hosseini, Seyed Alireza (2014). "Recognition of Kulainī's sources in compiling al-Kāfī", Hadith Research, vol. 6: pp. 181-206. [In Persian]
21. Hammadi, Abdul-Reza; Hosseini, Seyed Alireza (2017). "Kulainī and the Qom Hadith School," Hadith Research, 9(17): pp. 125-146. [In Persian]
22. Khodamian Arani, Mahdi (2015). "Early Shiite Hadith scholars and bibliographic analysis of hadith", [in: Emadi Ha'eri, Seyed Mohammad, Reconstruction of Early Shiite

- Hadith Texts; Method, Analysis, Example,] Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
23. Khoufī, Abu al-Qāsim (1413 AH). Mu'jam Rijāl al-Hadith wa Tafsi'l Tabaqāt al-Ruwāt, Np, fifth edition. [In Arabic]
 24. Zafaranizad, Saeed (2007). "Ancient textual sources; a survey of the sources of Nu'mānī Commentary", Qur'an and Hadith Studies, 1(1): pp. 162-145. [In Persian]
 25. Sezgin, Fu'ad (2001). History of Arabic Writings, [Persian translation: Fihrestgan Publishing House], vol. 1, Tehran: Printing and Publishing Organization. [In Persian]
 26. Shubairī Zanjānī, Sayed Mohammad Jawad (2015). "Nu'mānī's Sources in Al-Ghaiba", [in: Emadi Hā'eri, Seyed Mohammad, Reconstruction of Early Shiite Hadith Texts; Method, Analysis, Example, Qom: Dar al-Hadith, pp. 379-430.] [In Persian]
 27. Shirazi, Reza; Maleki, Mahmoud (2022). "Evaluation of hadith by list analysis method; perspectives and basics," Qur'an and Hadith Studies, 15(2): pp. 56-25. [In Persian] DOI: 10.30497/QHS.2021.241215.3340
 28. Shuler, Grigor (2014). Oral and Written in the First Islamic Centuries, first edition, [Persian translation: Nusrat Nilsaz,] Tehran: Hekmat. [In Persian]
 29. Sadouq, Muhammad bin Ali (1413 AH). Man lā Yahduruh al-Faqīh, [Research: Ali Akbar Ghafari,] Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
 30. Safarian Hamdani, Alireza et al. (2020). "Theory of list analysis of hadiths; meaning and ambiguities", Studies on Understanding Hadith, 7(1): pp. 271-249. [In Persian]
 31. Tousī, Muhammad bin Hassan (1420 AH). Al-Fihrist, [research: Abdulaziz Tabataba'i,] Qom: Mohaghegh Tabataba'i. [In Arabic]
 32. Emadi Ha'eri, Seyed Mohammad (2015). Reconstruction of Early Shiite Hadith Texts; Method, Analysis, Examples, Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
 33. Emadi Ha'eri, Seyed Mohammad (2015). "A look at the written sources of al-'Idāh", [in: Emadi Ha'eri, Seyed Mohammad, Reconstruction of Early Shiite Hadith Texts; Method, Analysis, Examples, Qom: Dar al-Hadith, pp. 431-446.] [In Persian]

34. Emadi Ha'eri, Seyed Mohammad (2015). "No'mānī's Sources in Al-Ghayba", [in: Ha'eri, Seyed Mohammad, Reconstruction of Early Shiite Hadith Texts; Method, Analysis, Examples,] Qom: Dar al-Hadith, pp. 379-430. [In Persian]
35. Ghafouri-Nejad, Mohammad; Ma'rifat, Mohammad (2017). "Analysis of the source analysis of Hadiths of Sheikh Tousī's al-Ghaibah", Shi'a-Research in Islam, Vol. 57: pp. 28-5. [In Persian]
36. Qasempour, Mohsen; Mokhtari Hashem-Abadi, Abu Talib (2016). "The basis of the text-based of Allamah Majlisī in selecting sources and hadiths of Bihār al-'Anwār, with an emphasis on the hadiths regarding Imamate", Hadith Sciences, 21(2): pp. 137-106. [In Persian]
37. Qasempour, Mohsen; Mokhtari Hashem-Abadi, Abu Talib (2017). "The Basics of Authenticating Hadiths of Bihār al-'Anwār by Allamah Majlisī", Hadith Research, 9(18): pp. 164-143. [In Persian]
38. Ghorbani, Mohammad (2015). "Frequent Isnads as a sign for Al-Kāfī's written sources", Hadith of Al-Hawzah, 5(10): pp. 136-113. [In Persian]
39. Kulainī, Mohammad bin Ya'qoub (1407 AH). Al-Kāfī, 4th edition, [corrected by Ali Akbar Ghafari and Mohammad Akhundi,] Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmīya.
40. Mazandarani Ha'erī, Muhammad bin Ismail (1416 AH). Muntah al-Maqāl fī Ahwāl al-Rijāl, Qom: Āl al-Bait Institute. [In Arabic]
41. Madadi, Seyed Ahmad (2015). "Dialogue". [In: Ha'eri, Seyed Mohammad, Reconstruction of Early Shiite Hadith Texts; Method, Analysis, Examples,] Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
42. Madadi, Seyed Ahmad (2014). "A Look at Sea," Qom: Shi'a Bibliography Institute. [In Persian]
43. Ma'aref, Majid (2014). Ahl al-Sunnah Hadith Collections, Tehran: Samt, 5th edition. [In Persian]
44. Motzki, Harald (2006). "Musannaf of Abdul Razzāq San'ānī; A source for the hadiths of the first century of Hijri", [Persian translation: Shadi Nafisi,] Hadith Sciences, vol. 40: pp. 122-95. [In Persian]

45. Motzki, Harald (2014). "Evaluation of Hadith History", [in: Aghaei, Seyed Ali, Hadith Dating; Methods and Samples,] Tehran: Hekmat. [In Persian]
46. Najāshī, Ahmad bin Ali (1407 AH). Rijāl, Qom: Islamic Publishing House. [In Arabic]
47. Nu'mānī, Muhammad bin Ibrahim (1397 AH). Al-Ghaibah, [Edited by Ali Akbar Ghafari,] Tehran: Sadouq Publishing. [In Arabic]
48. Nilsaz, Nusrat (2014-A). "Explanation and evaluation of Sezgin's theory about the identification and reconstruction of the sources of narrative collections", Qur'an and Hadith Researches, 47(2): pp. 321-346. [In Persian]
49. Nilsaz, Nusrat (2014-B). Orientalists and Ibn Abbas, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian]
50. Tasserou, Ella Landau (2004). "On the Reconstruction of the Lost Sources", Al-Qnatar, 25(1): pp. 45-92.

